

یادونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی یازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالپړلو مخکې په خیر و لولئ

پذیرفتند ، از اعتراف به رفتارهای سراسر قساوت ، توسل به عناوین ترس آور و حتی بستن شاخ حیوانات به سرخویش ، پروا نداشته اند .

ه	د	خ	ج	ب	ا
ک	ي	ط	ح	ز	و
ظ	ن	ذ	م	ل	ش
ر	ق	ص	ف	ع	س
س	و	ی	ت	غ	ث

**کلمه آریا و فقدان مستندات
و ریشه های تاریخی و فقط
منسوب به کتیبه های
داریوش و خشایارشا است.**

ناصر پورپیرار - دوازده قرن سکوت
Insta@naser_poorpirar_historysharq

الگوی تاریخ نویسی را برای ما انگلیسها تدوین کرده است، نگاه وی متأثر از جریان فلسفه تاریخ غرب است.

سرویلیام جونز انگلیسی نخستین کسی بود که در ۱۷۸۶ ، زبان های سانسکریت ، لاتین و یونانی را از یک ریشه واحد (هندواروپایی) دانست ، اما آن ریشه را مفقود شده نامید.

فریدریش ماکس مولر، پایه گذار ایدئولوژی آریایی گرایی؛ اصل برتری نژاد آریا . این نظریات در هم و بر هم و متناقض نخستین بار از سوی (ماکس مولر) مطرح گشت که هیچگونه سند تاریخی و علمی پشتیبان نظریه اش نبود. ماکس مولر که همکار کمپانی هند شرقی و مشاور ملکه ویکتوریا است. کتاب های روحانی خاور که در پنجاه جلد با راهبری او نوشته شد از یادبودهای پژوهشی عصر ویکتوریایی انگلستان است.

جیمز دارمستتر، مفهوم قوم آریایی ها با نژاد آریایی را مطرح می کند. برای جمع آوری و ترجمه ترانه های محلی و نگارش رساله ی درباره زبان و فرهنگ افغانستان به کمپنی هند شرقی فرستاده شد.

تئوری آریانا باستان توسط هوریس هیمن و بلیسن و همکاران چارلز میسن و جیمز پرنیسیپ ماموران کمپنی هند شرقی بوجود آمد. ۱۸۴۱

مونت استورات الفینستون ، مامور دیگر کمپنی هند شرقی کتابی درباره افغانستان نوشت. [افغانان : جای، فرهنگ، نژاد گزارش سلطنت کابل]. در سال ۱۸۱۵ [

هنری پاتینجر ، کتابی راجع به سند و بلوچستان در سال ۱۸۱۶ منتشر کرد و جان ملکم هم تاریخی مکمل در باب ایران در سال ۱۸۱۵ در دو جلد حجیم تألیف کردند. سر جان ملکم اولین بار بحث ایران باستان و تئوری آریا محوری را به شکل منسجم مطرح می کند و به نوعی به آن اصالت می دهد. هدف این تئوری جنگ با هویت اسلامی از طریق ناسیونالیسم ایران باستان [قلابی] است. نخستین انگیزه ملکم از تألیف آن، یک انگیزه رسمی بود یعنی تهیه اطلاعات درباره منطقه ای که برای سیاست انگلیس اهمیت داشت.

جالب اینجاست که در همین زمان و همپای کار ماکس مولر و همکارانش مفهومی به نام قوم تورانی نیز به وسیله آرمینیوس وامبری (یهودی ساکن مجارستان بود و از مدافعان سرسخت هر تزل و صهیونیسم جدید. مأمور سازمان اطلاعاتی انگلیس) برای اطلاق به اقوام ترک آسیای میانه و قفقاز و عثمانی و غیره جعل شد. به هر حال، وامبری و فرد دیگری به نام لئون کوهن فرانسوی که آن هم یک یهودی است، بنیانگذاران اصلی پان تورانیسم یا پان ترکیسم هستند.

برای اولین بار لغت توران به این معنای جدید (یعنی قوم ترک) در کتاب معروف وامبری به نام تاریخ بخارا (چاپ 1873) به کار رفت و کسانی مثل فؤاد پاشا (صدر اعظم و فراماسون) و جاوید پاشا (روزنامه نگار یهودی الاصل و وزیر مالیه بعدی عثمانی) مروج این مکتب در عثمانی شدند و همین موج به تأسیس دولت آتاتورک و ترکیه جدید انجامید.

برخی از چهره های متنفذ مکتب آریایی گرایی یهودی بودند مثل جیمز دارمستتر در انجمن آسیایی پاریس و آبراهام جکسون در دانشگاه کلمبیای آمریکا و چوالسون (یهودی مسیحی شده) در روسیه. با جعل این ایدئولوژی های آریایی گرایی و پان تورانیسم خواستند این دو ایدئولوژی را به عنوان دو پایگاه و سکوی پرتاب اندیشه های تفرقه ساز اسلامی در اختیار بگیرند، جبهه ی درونی و با نمای فرهنگی و تعاریف تاریخی نو، در درون دین اسلام بگشایند.

به این ترتیب، پایه های نظری دو ایدئولوژی آریایی گرایی و پان تورانیسم شکل گرفت. روح این ایدئولوژی ها همان اسطوره برگزیدگی و رسالت تاریخی قوم یهود است ولی به جای یهود، آریایی یا ترک گذاشته شده. این حرف خود غربی هاست. چون جریانی در غرب مخالف اینهاست، و آنها هستند که افشا می کنند. کسانی مثل خانم کومری، نیبرگ سئودی، اشمیت، نانسی دمان. این تئوری ها را زیر سوال می برند، و معتقدند که تئوری آریا محوری قابل اثبات نیست.

هر چند امروز دیگر می دانیم، که طرح موضوع آریاها، علیه هویت قومی و ملی یک سلسله ملت های بزرگ، از هند تا اروپا بوده است. ولی شاید سیلی محکم فاشیسم و نمایش حداکثر بهره برداری نژاد پرستانه از مفهوم لغت « آریا» به وسیله نازیونال سوسیالیست های آلمان، که با خشن ترین روش های ضد انسانی نیز توأم بود، موجب شد که خردمندان و محققان بی غرض تاریخ با چهره مرتجع آریا پرستان آشنا تر شوند و آن را نفی و طرد کنند. یک مشکل بزرگ، تعیین تکلیف با این همه سند و بررسی تاریخی است که تقریباً بنیان تمامی آنها بر حضور نژاد و تمدن آریا، به ویژه در ایران و شرق میانه نهاده شده است. امروز پیشنهاد می شود که تمامی آن اوراق را دور بریزیم، از خاطره خود بزداییم و تاریخ را بر اساس بازشناسی و بها دادن بر هویت بومی اقوام و ملت ها بازسازی و بازنویسی کنیم.

ایران - فاقد دولت مرکزی و شهر و روابط تولیدی و حتی حضور اولیه ی اقوام است، به طوری که مسجد شیخ لطف الله اصفهانی و شاه عباسی اش را به زمان رضا شاه ساخته اند، از چه زمان و چه گونه و با دست چه کسی صاحب قفقاز و گرجستان و افغانستان شده است که روس و انگلیس از آنان بربایند؟! و به عنوان نمونه مطلبی را بخوانید که معلوم می کند روسیه تزاری در زمان انعقاد عهد نامه گلستان و ترکمانچای یعنی سال عقد آن قرارداد، به چه حال و روزی دچار بوده است؟!

کدام عهدنامه گلستان؟

ناپلئون در سال 1812م وارد مسکو می شود. او با سیاست زمین سوخته روس ها و شهرها و روستاهای ویران مواجه شد. تا 20 سال بعد دربار تزار برای جبران لطامات وارده فاقد تحرک است. ولی تاریخ سازان شرق شناسی و اتباع خودی آنان، در همان زمان از عهدنامه های تحمیلی روس ها؛ گلستان 1813م و ترکمان چای 1828م می گویند!! واقعیت این است که نه عهدنامه ای در کار است و نه سندی و نه هرگز صاحب آن سرزمین ها بوده ایم.

INSTA@NASER_POORPIRAR_HISTORYSHARQ

✓ در سال 1813 م که تزارها از مقابل ناپلئون گریخته بودند، ادعا دارند که همزمان در جنوب پیروزمندانه مشغول امضای عهدنامه گلستان بوده اند! .

ناصر پور پیرار - برلین صفویه
Insta@naser_poorpirar_historysharq

تا سال 1852م رسماً کشوری به نام ایران شناخته شده نبوده و تهران هنوز مسکونی نبوده است. حتی دربار قاجار را خود روس ها محافظت می کرده اند.

مفهوم تئوری آریایی، دیگر نظریه‌ی تاریخی محسوب نمی‌شود:

در حال حاضر، تاریخ نگاری باستان پرستانه در ایران، پس از نمایش این همه جعل و دروغ و حقه بازی و فریب در عرصه‌ی اسناد آن، دیگر نظریه‌ی تاریخی محسوب نمی‌شود و هنگامی که معلوم شده هرگز سلسله‌ای با نام **اشکانیان** و **ساسانیان** بر ایران مسلط نبوده و می‌دانیم و اطمینان داریم که عمده‌ترین مستندات این دو دوران جعل مطلق و محض است، پس اعتبار بخشیدن به داده های پیشین در این باره، معتبر دانستن دروغ و اوباشگری تاریخی و گریز از هستی شناسی واقعی بومیان ایران است. تمام باورهای کنونی ما در باب تاریخ و ادب و هویت مان نادرست و بر اسناد مجعول استوار است.